

کاربرد روش تحلیل گفتمان در علوم رفتاری

دکتر سید وحید عقیلی
امیر لطفی حقیقت

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۴/۱۵

چکیده

در طول سال‌های اخیر استفاده از روش تحلیل گفتمان در میان تحقیقات مربوط به حوزه‌های مختلف علوم رفتاری رو به فزونی نهاده است. تحلیل گفتمان روشی است، برای دریافت معنای نهفته در داده‌ها و تحلیل آن‌ها؛ در این روش، به جای مشاهده مستقیم داده‌ها و کنش‌های افراد، معنا مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و بجای استفاده از پرسشنامه و مصاحبه (و سایر ابزار جمع‌آوری اطلاعات)، گفتار و نوشتار پدید آورده شده و پیام‌هایی که مورد تعامل قرار می‌گیرند، مورد توجه و دسته‌بندی و تفسیر و تحلیل قرار می‌گیرند. تحلیل گفتمان به مطالعه و تحلیل اسناد و متون شفاهی و مکتوب مانند مصاحبه‌های روانی، آزمون‌ها، دفاتر و یادداشت‌های شخصی، مقالات، سخنرانی‌ها، نقاشی‌ها، قوانین، کتب، فیلم‌ها، صورت‌جلسات، نامه‌های شخصی و ... می‌پردازد. این روش روشی مابعد تحقق، غیرمداخله‌گر و غیرواکنشی است و از آن‌جا که اسناد مورد مطالعه و تحلیل، پیش‌تر ثبت و ضبط می‌شوند، پژوهشگر در جهت‌دهی و نحوه تدوین آن دخالتی ندارد. در این نوشتار، مولفه‌های روش تحلیل گفتمان، چگونگی مقوله‌بندی و ضوابط آن، واحدهای تجزیه و تحلیل و در نهایت مهم‌ترین محاسن و معایب این روش در جریان پژوهش‌های رفتاری و روانشناختی مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: تحلیل کیفی، تحلیل گفتمان، پیام، متن، گفتار، گزاره، تفسیر، محتوای نهفته، محتوای آشکار و معنا

مقدمه

روش تحلیل گفتمان (discourse analysis) روشی است که در جریان مطالعات میان رشته‌ای در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی ادراکی، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی و سایر گرایش‌ها و رشته‌های علوم انسانی به عنوان روشی نوپا، بکار گرفته شد. تحلیل گفتمان، روشی است، برای پژوهش در باب متون ارتباطی نظیر کتب، سخنرانی‌ها، نشریات، دست‌نوشته‌ها، خاطرات، مصاحبه‌های تشخیصی روانی، نامه‌های شخصی، مصاحبه‌های روانی، آزمون‌ها، دفاتر و یادداشت‌های شخصی، مقالات، سخنرانی‌ها، نقاشی‌ها، قوانین، کتب، فیلم‌ها، صورت‌جلسات، نامه‌های شخصی و ...؛ و نیز هرآنچه که در آن زبان «کاربرد» دارد. تحلیل گفتمان روشی کیفی است که از اصلاح روش‌های اولیه تحلیل رسانه‌ها بدست آمده است؛ اصطلاحی است که برخوردار از شالوده زبان‌شناسی می‌باشد.

همان‌طور که اشاره شد، روش تحلیل گفتمان در عرصه پژوهش‌های روانشناختی و علوم رفتاری، در ابتدا در حوزه روانشناسی اجتماعی بکار گرفته شد. اما به تدریج و از دهه ۱۹۸۰ این رویکرد روش شناختی گام‌های بزرگی در حوزه‌های روش‌شناختی و نظری خود برداشت و مورد عنایت پژوهشگران سایر گرایش‌های روانشناسی از جمله روانشناسی سلامت، روانشناسی تربیتی، مشاوره، روانشناسی رشد و روانشناسی بالینی قرار گرفت (لیونز و کول ۲۰۰۷).

روش تحلیل گفتمان از جمله روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که می‌توان متون نوشتاری و شفاهی را با در نظر گرفتن شرایط زمانی آن مورد تحلیل و ارزیابی دقیق و منظم قرار داد. در این روش پژوهشگر رفتاری به بازشناسی و واکاوی دستاوردهای اندیشه‌ای انسان‌ها که نوعاً از جنس اسناد و مدارک نوشتاری و شفاهی است، می‌پردازد. بدین ترتیب تحلیل گفتمان هم روشی است برای تحلیل کیفی داده‌ها و هم روش مشاهده اسناد می‌باشد— اما به جای مشاهده مستقیم رفتار مردم یا پرسش در مورد آن، به ارتباطاتی که آنان به وجود آورده‌اند و پیام‌هایی که پدید آورده و مبادله می‌کنند، توجه کرده و آن را مورد تتبع و تحلیل قرار می‌دهند.

به عنوان مثال در یک مصاحبه تشخیصی روانشناسی، مصاحبه‌شونده (مراجع) به سؤال‌های مصاحبه‌کننده واکنش نشان می‌دهد و مصاحبه‌گر نیز خواسته یا ناخواسته بر چگونگی پاسخ‌های مراجع تأثیر می‌گذارد و حتی در جهت‌گیری آن دخالت می‌کند. بنابر این مصاحبه روانی، روشی برای جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد و بخشی از روش تحقیقی که هم

واکنشی است و هم مداخله کننده؛ واکنشی است، چراکه مصاحبه شونده به کنش مصاحبه کننده واکنش نشان می‌دهد و نیز مداخله کننده است، چرا که مصاحبه کننده در چند و چون فرآیند مصاحبه دخالت می‌کند.

اما حقیقت این است که تحلیل گفتمان نوعاً از جمله روش‌های غیرواکنشی و غیرمداخله‌ای است. چون اسناد مورد مشاهده و متون مورد تحلیل قبلاً ثبت و ضبط شده‌اند و صاحبان اسناد و پدیدآورندگان آثار در کار تحلیل و واکنش؛ و تحلیل گران و پژوهشگران در چگونگی خلق، تدوین و بسط اسناد و مدارک دخالتی ندارند.

اگر چه تعاریف متعددی از روش تحلیل گفتمان اما تعریف ارائه شده نورمن فرکلاف و در گام بعد تعریف دایان مک دائل بیش از سایر تعاریف نقل شده، مورد استفاده واقع شده است. فرکلاف می‌گوید، گفتمان مجموعه‌ای به هم تافته است که از سه عنصر کردار اجتماعی، کردار گفتمانی و تحلیل متن (text analysis) تشکیل شده است (فرکلاف ۱۹۹۱).

مک دائل هم معتقد است، گفتگو یا همپرسه شرط مقدماتی هر گفتمان به شمار می‌رود. هر نوع گفتار، کلام و نوشتار، جریان اجتماعی محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، دارای سرشت، ماهیت و ساختار اجتماعی می‌باشند. گفتمان‌ها حسب مکان و زمان تفاوت می‌کنند و در هر کشور گفتمان‌های متفاوت وجود دارد، علاوه بر آن، کشور به کشور نیز گفتمان‌ها تفاوت دارند (مک دائل ۱۳۸۰).

در دو تعریف فوق منظور از گفتمان، جریانی فراتر از جملات بکار رفته است و معنایی را در بر دارد که برآمده از ساختار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تعریف می‌شود. بر این اساس در تحلیل گفتمان از معنا و عینیت و معرفت سخن به میان می‌آید که بر اساس قواعد روشن و معیارهای مشخصی انجام می‌شود و پژوهشگران مختلف را قادر می‌سازد تا از یک متن یا سند، دستاوردهای به نسبت مشابهی به دست آورند. همچنین گفتمان‌ها با عنایت به انواع کاربردهای اجتماعی مختلف که در آن ظهور و بروز پیدا می‌کنند و نیز با توجه به موقعیت، شأن و منزلت افرادی که متون شفاهی و مکتوب را پدید می‌آورند، و یا کسانی که مخاطب آن‌ها هستند، از این رو دارای زمینه و بستری همگن، واحد و مشابه و تک ساحتی نیستند.

به هر تقدیر این مقاله به بحث در باب روش تحلیل گفتمان و شیوه اجرای آن در پژوهش‌های رفتاری و روان‌ساختی می‌پردازد.

اختلاف نظرها

همچنان که از تعاریف صاحب‌نظران از مفهوم گفتمان و تحلیل گفتمان بر می‌آید، این مقوله با اختلاف نظرهای فراوانی در میان صاحب‌نظران روبرو است. مهم‌ترین بحث و اختلاف نظر میان صاحب نظران در تعریف این مقوله، البته بر سر کیفیت بحث در باب گفتمان، توجه به متن، گفتمان به مثابه کاربرد زبان و نیز نقش و جایگاه ساختار نظام اندیشگی، فرهنگی و اجتماعی و تاثیر آن بر گفتمان‌ها و نیز کارکرد گفتمان و چگونگی انجام آن می‌باشد. اصطلاح تحلیل گفتمان، نخستین بار در سال ۱۹۵۲ توسط زلیک هریس، زبان‌شناس انگلیسی، به کار گرفته شد. زلیک هریس به ارائه رویکردی صورت‌گرایانه از جمله پرداخت و تنها از این منظر به متون و واژگان توجه نمود. پس از ارائه دیدگاه‌های هریس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را در نقطه مقابل متن فرض نمودند و تاکید داشتند که این رویکرد، تحلیل ساختار زبان گفتاری (مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها) و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری (مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها) را در بر می‌گیرد (فرکلاف ۱۹۹۱).

از طرفی به دنبال این روند، شماری از زبان‌شناسان، مفهوم گفتمان را در معانی متنوعی به کار بردند. عده‌ای معتقدند که تحلیل گفتمان به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط می‌پردازد. از این منظر تحلیل گفتمان عبارت است از شناخت رابطه جملات با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی که نتیجه این تعاملات است. مطابق این تعریف، در تحلیل گفتمان، برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، تنها عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله، به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی زمینه متن (co-text) مورد توجه محقق قرار ندارد، بلکه فراتر از آن عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی (context of situation)، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، شخصیتی، ارتباطی و غیره نیز مورد عنایت واقع می‌شوند. از این رو می‌توان تحلیل گفتمان را چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی دانست که در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن) و عوامل بیرون زبانی (زمینه‌ی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ارتباطی و موقعیتی) به بررسی می‌پردازد (فرکلاف ۱۹۹۱).

نظر هریس در باب تحلیل گفتمان هم جالب توجه است. او این مفهوم را در معنای وسیعی به کار گرفته است و بر این باور است که این مهم را می‌توان از دو بعد مورد عنایت قرار داد: نخست، بسط رویه‌ها و روش‌های معمول در زبان‌شناسی توصیفی و کار برد آن‌ها در سطح فراجمله (متن) و دوم رابطه میان اطلاعات زبانی و غیرزبانی مانند رابطه، زبان و فرهنگ و

محیط و اجتماع. در بعد اول صرفاً اطلاعات زبانی مد نظر است، ولی در بعد دوم اطلاعات غیر زبانی مثل فرهنگ و محیط و اجتماع که خارج از حیطه‌ی زبان‌شناسی است نیز مد نظر قرار می‌گیرد (سلطانی ۱۳۸۴).

البته برخی تحلیل گفتمان را در قالب کاربرد زبان بکار می‌گیرند. به عنوان مثال، یول و براون تحلیل گفتمان را تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد می‌دانند و لذا نتیجه می‌گیرند که نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آمده‌اند (فرکلاف ۱۹۹۱).

استابز نیز نگاهی مشابه به یول و براون دارد. او سه مولفه برای تحلیل گفتمان مطرح می‌کند که عبارتند از: مقوله‌ای که درباره‌ی کاربرد زبان فراتر از حدود بیان یک جمله است، مقوله‌ای درباره‌ی روابط درونی بین زبان و جامعه و مقوله‌ای که درباره‌ی عامل مؤثر یا ویژگی‌های گفتاری ارتباطات روزمره است (استابز ۱۹۸۳: ۱). استابز بر این مهم تأکید دارد که مفهوم تحلیل گفتمان عمدتاً برای اشاره به تحلیل زبان‌شناختی که درباره‌ی گفتار یا کلام نوشتاری رخ می‌دهد، استفاده می‌شود. تقریباً این اصطلاح به مطالعه ساختار زبان فراتر از جمله مربوط می‌شود. بنابراین، مطالعه واحدهای زبانی بزرگ‌تر، نظیر گفتمان محاوره‌ای یا متون نوشتاری می‌باشد (اسلمبروک ۲۰۰۶).

نگاه تئون ون دایک به مقوله گفتمان نیز در جای خود قابل تامل است. او در تعریف گفتمان می‌گوید که «کاش می‌توانستم آنچه را که درباره گفتمان می‌دانم، به شکلی فشرده در تعریفی ساده بگنجانم». او ادامه می‌دهد که متأسفانه مفهوم گفتمان نیز مانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ مفهومی اساساً مبهم است (میر فخرایی ۱۳۸۳: ۷).

ون دایک چهار جزء متمایز رویکرد به گفتمان را این گونه بر می‌شمارد: اول، تحلیل گفتمان یک پیام رسانه‌ای را به عنوان یک گفتمان تمام عیار مستقل بررسی می‌کند. تحلیل محتوا در پژوهش ارتباطات جمعی معمولاً برای یافتن روابط (یا همبستگی‌ها) میان این و یا آن ویژگی (اغلب محتوا و گاهی سبک) پیام‌ها و ویژگی‌های فرستنده یا مخاطبان انجام می‌گیرد. دوم این که، هدف تحلیل گفتمان عمدتاً تشریح داده‌های کیفی است و نه داده‌های کمی. البته معیارهای کمی را می‌توان به خوبی بر تحلیلی، آشکار از نوع عمدتاً بیشتر کیفی بنیان نهاد. سوم این که، درحالی که تحلیل محتوا عمدتاً بر مبنای داده‌های قابل مشاهده همچون واژه‌ها، عبارات، جمله‌ها مبتنی است، تحلیل گفتمان به ساختارهای معنا شناختی توجه دارد و فرض‌ها، ارتباط‌ها،

دلالت‌ها و راهبردها را هم روشن می‌سازد. به دیگر سخن در تحلیل گفتمان به جای شمارش و مقادیر آماری با معناشناسی کاربردی متن، سروکار داریم (ون دایک ۱۳۷۸).

مک میلن در تعریف خود از تحلیل گفتمان به مطالعه زبان توجه دارد معتقد است که تحلیل گفتمان یک اصطلاح برای مطالعه قسمت اعظم زبان است. در این تعریف تحلیل گفتمان شامل تنوع رویکردها و دیدگاه‌های مختلف با روش‌های گوناگون زیادی است. مک لین در جایی دیگر تصریح می‌کند، تحلیل گفتمان مجموعه‌ای از روش‌ها و نظریه‌ها برای بررسی زبان و کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی است (مک لین ۲۰۰۶:۱).

شیفرین در تعریف خود از تحلیل گفتمان به عناصر زبانی توجه دارد و معتقد است تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش متنی عناصر زبانی را مطالعه کند؛ بنابراین واحدهای زبانی، نظیر مکالمات یا متون نوشتاری را بررسی می‌کند. بر این اساس تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی به ویژه با تعاملات یا مکالمات میان گویندگان سرو کار دارد. در جای دیگر این نگاه به آرایش‌های فراجمله‌ای به عناصر زبانی تسری می‌یابد. به طوری که شیفرین و استابز می‌گویند: تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش فرا جمله‌ای عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار بدهد و بنابراین واحدهای زبانی نظیر تبدلات مکالمه‌ای یا متون نوشتاری را مورد بررسی قرار می‌دهد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹).

در نگاه برخی نیز به تلازم گفته با کارکرد اجتماعی یا معنایی آن تعبیر شده است. از این رو تحلیل گفتمان عبارت است از تعبیه‌ساز و کار مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین ارتباط متن با کارکردهای فکری - اجتماعی. در عمل، تحلیل گفتمان در صدد کشف و تبیین ارتباط بین ساختار دیدگاه‌های فکری - اجتماعی و ساختارهای گفتمانی است (یارمحمدی و خسروی نیک، ۱۳۸۲: ۱۷۳).

در همین حال برخی نیز نسبت به تحلیل گفتمان نگاهی نه چندان مثبت دارند مانند لورنس به اردن، مؤلف کتاب تحلیل محتوا، که تحلیل گفتمان را پروژه‌ای ناپخته و نابالغ می‌داند که جنبه نظری نه چندان غنی و پرمدعایی دارد (کیا، ۱۳۸۱).

البته اختلاف نظرهای جزئی‌تر دیگری نیز درباره کارکرد روش شناختی تحلیل گفتمان وجود دارد که آیا اصولاً روشی برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های متون مکتوب و نوشتاری وجود دارد؟ یا روشی به منظور تحلیل داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده و متون گزینش شده وجود دارد؟ علاوه بر این، در این باب که آیا تحلیل گفتمان تنها به ارزیابی متون و پیام‌ها

می‌پردازد؟ یا این که تمام اجزای آن را به ویژه اجزای مربوط به سؤال‌های اصلی پژوهش‌های گفتمانی که ون دایک مطرح کرده است (یعنی چه کسی، چگونه، چرا و چه وقت می‌گوید؟) و یا آنچه که هارولد لاسول در پژوهش‌های ارتباطی خود مطرح می‌کند (یعنی چه کسی، چه چیزی را، به چه کسی، چگونه، چرا و با چه تاثیری می‌گوید؟) مورد تحلیل قرار می‌دهد نیز اختلاف نظر وجود دارد.

آنچه که شایسته است در پایان این بخش در باب روش تحلیل گفتمان گفته شود، این است که تحلیل گفتمان، به لحاظ سابقه و تاریخچه، (هر چند از نظر علمی و روش شناختی جدید و نوپا است) همزاد با تعاملات اجتماعی انسان با سایر انسان‌ها است و لذا از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. تحلیل گفتمان به مرور زمان از نوعی تفسیر و برداشت عقلی ابتدایی و آزاد، از حرکات، اشارات، سخن‌های دیگران به شیوه‌ای علمی برای بررسی و واکاوی و ارزیابی اسناد و مدارک مهم اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است و از گذشته‌های دور در تفاسیر متون دینی و تعبیر رویا مورد بهره‌گیری بوده است. امروزه از روش تحلیل گفتمان در علوم رفتاری، روانشناسی، جامعه‌شناسی، ارتباطات، علوم سیاسی و سبک‌شناسی و گرایش‌های مختلف هر کدام از این رشته‌ها استفاده‌های بسیاری می‌شود.

تحلیل گفتمان و پژوهش‌های روانشناختی

همان طور که گفته شد، تحلیل گفتمان صرفاً در زبان‌شناسی باقی نماند و به مرور وارد علوم انسانی از جمله پژوهش‌های رفتاری و روانشناختی شد. تحلیل گفتمان روشی برای مطالعه معنای نهفته در جملات و واژگان است که در دهه‌های اخیر در پژوهش‌های روانشناختی خصوصاً روانشناسی اجتماعی رایج شده است. این روش را می‌توان به عنوان شکلی از روانشناسی اجتماعی تعریف نمود که برخی روش‌ها و اندیشه‌های خود را از تحلیل گفتار و متن اخذ نموده و آن‌ها را به حوزه‌ها و رشته‌های جدید گسترش داده است. با این وجود تحلیل گفتمان به سمت بهره‌گیری از سایر منابع تاثیرگذار همچون نشانه‌شناسی و تا حدودی روانکاوی سوق پیدا کرده است (عابدینی ۱۳۸۳).

در حقیقت تحلیل گفتمان در مخالفت با جریان روانشناسی اجتماعی آزمایشی و پوزیتیویست بسط و گسترش یافت. پژوهشگرانی که در عرصه تحلیل گفتمان به فعالیت می‌پردازند، از طریق ساختارگرایی اجتماعی فراگیر در مخالفت با سنت حاکم بر روانشناسی

اجتماعی مشخص می‌شوند. در سنت تحلیل گفتمان وجوه تفارقی از بعد تاکید، توجه و رویکرد وجود دارد. پاتر و ترل و اردواوز بر تحلیل‌های جزئی محاوراتی تمرکز پیدا کرده‌اند که به طور طبیعی صورت می‌گیرد (مک لئود ۲۰۰۱)، این در حالی است که بیلینگ رویکردی را ارائه نمود که مبتنی بر مفاهیم علم معانی بیان در درک روش‌هایی است که افراد با بهره‌گیری از آن وضعیت خود را در ارتباط با گفتمان‌های بدیل روشن می‌کنند (لیونز و کول ۲۰۰۷).

پژوهش‌های پارکر به صورت کاملاً روشن دارای صبغه روانکاوایی است و به میزان قابل توجهی بر عدم ساختارگرایی نقادانه پدیده‌های اجتماعی در مقیاس وسیع متمرکز است و عنایت اندکی بر نمونه‌های خاصی از استفاده زبان شده است (مک لئود ۲۰۰۱).

در همین حال آثار کلاسیک جاتان پاتر، مارگارت و دورلز، از سال ۱۹۸۷ تلاش نمودند تا در کتاب خود «گفتمان و روانشناسی اجتماعی: فراتر از نگرش‌ها و رفتار» به معرفی و تبیین مقوله تحلیل گفتمان به عنوان روشی راهبردی و کارآمد در عرصه مطالعات رفتاری بپردازند. در این اثر تلاش شده است تا به بازشناسی مقولات زبان‌شناختی و متنی گفتمان و نحوه انکشاف معنا در متون روانشناختی پرداخته شود و علاوه بر این نقش این روش تحقیق در تحلیل مصاحبه‌های روانی، پرسشنامه‌های ارزیابی نیز مورد توجه واقع شده است. فرض پاتر، مارگارت و دورلز، این است که زبان و محصولات آن اعم از متون نوشتاری و شفاهی، واسطه‌ای خنثی و نامرئی نیست که صرفاً به انتقال پیام و یا توصیف مسائل و حوادث بپردازد بلکه عاملی است که منجر به تبیین فرآیندهای روانی می‌شود و مقولاتی چون ابعاد شخصیت، خود انگیختگی، سوگیری‌های روانی و ذهنی و ... را می‌تواند مورد انکشاف قرار دهد (لیونز و کول ۲۰۰۷).

از سوی دیگر تحلیل گفتمان تمی تواند تنها بیانگر یک حالت یا شرایط یگانه و منحصر به فرد باشد. تحلیل گفتمان یک رویکرد پژوهشی ژرفایی است نه یک روش خاص پژوهشی محدود. گفتمان کاوان، در هیچ شرایطی روش‌های پژوهشی خود را به صورت مشخص و روشن تعیین و تبیین نکرده‌اند و بیان نمی‌کنند که از چه دستورالعمل‌هایی برای انجام تتبعات خود استفاده می‌کنند.

مفروضات تحلیل گفتمان

مفروضات تحلیل گفتمان که از برآیند قواعد تحلیل سخن، تحلیل گفتار، تحلیل متن، هرمنوتیک، تفسیر، نشانه‌شناسی، مکتب انتقادی و روانکاوی مدرن است، عبارت است از:

- ۱- متن را می‌باید به عنوان یک کل معنا نمود که البته این معنا لزوماً در خود متن قرار ندارد.
- ۲- مطالعه، برداشت و تفسیر از متن همواره برداشت ناصواب از متن است.
- ۳- برداشت افراد مختلف از گفتار یا متن واحد، متفارق است و دالی متفاوت می‌تواند برای اشاره به مدلولی ظاهراً یکسان مورد استفاده قرار گیرد.
- ۴- در هر گفتمانی، حقیقتی نسبی نهفته است و هیچ گفتمانی دارای حقیقت مطلق نیست.
- ۵- معنا همان اندازه که از متن منبعث می‌شود، از بافت یا زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی نیز تاثیر می‌پذیرد.
- ۶- معنای یک متن در میان نوشته‌های آن متن مستتر است.
- ۷- گفتمان، تک سطحی و تک بعدی نیست، بلکه دارای ابعاد و سطوح متعددی است.
- ۸- هیچ متنی بی طرف و فاقد جهت‌گیری نیست بلکه همه متون ایدئولوژی خاص خود را دارند.
- ۹- نحو (Syntax) متن حاوی معنا است، زیرا نحو برخوردار از معانی ایدئولوژیک و اجتماعی است و این معانی در جای خود به عواملی که دال‌ها را می‌سازند مانند بافت‌ها، رمزها، مشارکت‌ها و تاریخ، وابسته‌اند.
- ۱۰- هر متن به یک منبع قدرت یا اقتدار مرتبط است. البته این منبع قدرت یا اقتدار الزاماً سیاسی نیست.
- ۱۱- هر متن در موقعیت و شرایط ویژه‌ای تولید می‌شود؛ لذا همواره رنگ پدیدآورنده خود را به خود دارد (بهرامپور ۱۳۷۸).

اهداف تحلیل گفتمان

روش تحلیل گفتمان به دنبال انکشاف معنای مستتر در متون گفتاری و نوشتاری است، به عبارتی دیگر، معنا صرفاً در متن و جملات و واژگان خلاصه نمی‌شود و آنچه که می‌باید پژوهشگر بدان عنایت داشته باشد، محتوا و معنایی است که در میان سطوح نهفته است. در هر متن، تولیدکننده آن، محتوا یا پیامی را با استفاده از دال‌ها و علائمی خاص تولید می‌کند و آنرا از طریق خط ارتباطی به مخاطب می‌رساند. مخاطب نیز در عین حال علائم دال‌ها و نشانه‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و پیام یا معنای مورد نظر را درک می‌کند. در برخی از انحاء ارتباط میان پژوهشگر علوم رفتاری و مراجعان (مانند مصاحبه تشخیصی و یا مشاوره)، ممکن است، تعامل

دو جانبه برقرار شود که در این صورت نقش او با نقش مصاحبه شونده عوض می‌شود. این شرایط حداقل به صورت مستقیم در خصوص مصاحبه‌های روانی و البته مقولات مورد تحلیل پژوهشگران علوم رفتاری، کمتر عملی می‌شود. مقولات مورد تحلیل گفتمانی در عرصه روانشناسی و علوم تربیتی، اساساً می‌باید به صورت یکسویه مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند. با این اوصاف، پرسشی که مطرح است این است که آیا می‌توان با تحلیل گفتمان، اطلاعاتی را بدست آورد که هم در باب مولفه‌های متن و هم در باب ابعاد شخصیتی و روانی فرستنده پیام باشد؟ به عبارت دیگر می‌توان به سؤالات مطرح شده هارولد لاسول که عبارتند از: چه کسی می‌گوید، چه می‌گوید، سخن او چه اثری دارد، و چرا می‌گوید؛ و یا پرسش‌های مطرح شده توسط ون دایک که عبارتند از چه کسی، چگونه، چرا و چه وقت، پاسخ داد؟ پاسخ به این پرسش‌ها تا حدود زیادی مثبت است، بدین معنا که هرچند عمده تحلیل‌ها مربوط به متن و خالقان است، اما گاهی نیز به تحلیل تاثیر معانی مستتر در متن بر مخاطب پرداخته می‌شود. از این رو می‌توان با عنایت به مفروضات ذکر شده، اهداف تحلیل گفتمان را می‌توان بدین شرح بیان نمود:

- ۱- تحلیل زمینه‌ها و پیشینه‌های متن به منظور توصیف تولیدکننده آن که در پاسخ به پرسش‌های چه کسی؟ و چرا؟ است.
- ۲- تحلیل مولفه‌های متن به منظور توصیف آن که پاسخ به پرسش‌های چه؟ و به چه کسی؟ و چگونه؟ است.
- ۳- تحلیل آثار متن به منظور شناخت آثار آن بر مخاطب متن که پاسخ به پرسش با چه اثری است.
- ۴- تبیین موقعیت و وضعیت منحصر به فرد تولیدکننده گفتمان
- ۵- تبیین تعامل میان نویسنده، متن و خواننده
- ۶- تبیین بی‌ثباتی معنا؛ معنا همواره در حال تغییر است، مطلق نیست و هرگز به طور کامل ادراک نمی‌شود.
- ۷- ارائه فنون و روش‌های جدید در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، سیاست، اجتماع، علوم و ... مبتنی بر پیش فرض‌های پست مدرن.
- ۸- تبیین ساختار عمیق و پیچیده تولید متن.
- ۹- تبیین تاثیر بافت متن (محیط بلافصل مربوطه، کل نظام زبانی و واحدهای زبانی) و بافت موقعیتی (عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و شناختی) بر گفتمان.
- ۱۰- تبیین تعامل میان متن و ایدئولوژی (بهرامپور ۱۳۷۸).

تحلیل گفتمان به عنوان روشی کیفی

تحلیل گفتمان از لحاظ روش در زمره تحلیل های کیفی قرار می گیرد. ادعای تحلیل گفتمان آن است که تحلیل گر در بررسی یک متن، از خود متن فراتر می رود و وارد بافت یا زمینه متن می شود. تحلیل گفتمان، به عنوان یکی از روش های تحقیق از شیوه و روش مستقل و مورد اجماع و توافق میان صاحب نظران برخوردار نیست. از این رو محققان در بکارگیری از این روش تا حدودی مخیر می باشند و در شیوه بکارگیری از این روش با دست باز تری عمل می کنند. به طور کلی در تحلیل گفتمان، فرآیند پژوهش از سطح نظری آغاز می گردد و در مرحله گردآوری داده ها به جای پرسش از فرد، از متن پرسش می شود؛ در این روش واحد مشاهده متن است (ساعی ۱۳۸۶).

از نظر روش شناختی تحلیل گفتمان از فرآیند مجهول سازی، گفتار مستقیم و غیرمستقیم، ساخت نقدی به عنوان مقوله ای معنایی نه نحوی، فرآیند اسم سازی، گزینش های لغوی، انواع انسجام و ساخت وجهی استفاده می کند. به عبارت دیگر، این رویکرد از ابزارها و مفاهیم زبان شناسی صورتگرا و نقش گرا به خصوص دستور مدل نظام مند هالیدی برای تبیین ایدئولوژی های پنهان و منابع قدرت در پشت متون زبانی بهره می گیرد (آقا گل زاده ۱۳۸۵).

روش تحلیل گفتمان، روشی است که در آن نوع خاصی از واقعیت اجتماعی در معنای عام مورد مطالعه قرار می گیرد که به آن گفتمان گفته می شود. روشی که در این تتبع به عنوان روش تحلیل گفتمانی به کار می رود، روشی است منبث از روش تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف. فرکلاف بر اساس تعبیری که از گفتمان ارائه می دهد برای تحلیل آن سه سطح را مورد توجه قرار می دهد. سطح توصیف، سطح تفسیر و سطح تبیین. در سطح توصیف یا تحلیل متن، گفتمان به مثابه متن در نظر گرفته می شود که شامل گفتار و نوشتار می شود. در سطح تفسیر، گفتمان به مثابه کردار گفتمانی در نظر گرفته می شود و در نهایت سطح تبیین، معطوف به زمینه اجتماعی متن می باشد. در این سطح گفتمان به مثابه یک کردار اجتماعی مورد تامل و عنایت قرار می گیرد (فرکلاف، ۱۹۹۵).

از بعد روش شناختی در تحلیل گفتمان بسان دیگر روش های تحقیق، مسیر پژوهش از سطح نظری آغاز می گردد. پس از فرموله کردن مسئله تحقیق و تبیین نظری آن در مرحله تجربه، به جای پرسش از فرد، از متن پرسش می شود. در این روش، واحد مشاهده متن است نه فرد و یا چیز دیگر.

الگوی تحلیل گفتمان

چارچوب مفهومی - نظری - عملیاتی سازی و پردازش داده‌ها - تحلیل و بررسی متون

«تحلیل متون نوشتاری یا گفتاری»

در تحلیل گفتمان از روش‌های «تفسیر و تحلیل کیفی» استفاده می‌شود. مطابق با سه سطح مورد بحث در دیدگاه فرکلاف، تحلیل گفتمان در سه سطح صورت می‌گیرد: سطح توصیف، سطح تفسیر و سطح تبیین.

یادآور می‌شود، در تحلیل گفتمان سه عنصر کلیدی مورد عنایت قرار دارند: متن، بافت و بافت موقعیتی متن. متن یک واحد زبانی است که هم ممکن است گفتاری باشد و هم نوشتاری. مراد از بافت متن چارچوب متنی است که یک عنصر زبانی در آن واقع شده است و تاثیری که جملات پیشین و پسین آن داخل متن بر تبلور ساختی - کارکردی و معنایی آن دارند. بافت موقعیتی، زمینه اجتماعی تولید متن است. در این جا یک متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است تحلیل می‌شود. بار معنایی متن با این دو عنصر مرتبط است. بنابر این معانی گفتمان همان قدر که از بافت متن ناشی می‌شود از زمینه اجتماعی و شرایط خاصی که آن گفتمان تولید کرده است نیز تاثیر می‌پذیرد. در تحلیل متن گفتمانی دو روش و یا دو رویکرد را می‌توان به کار گرفت: رویکرد معناکاوانه و رویکرد علت کاوانه؛ که در این جا اولویت بیشتر با رویکرد معناکاوانه می‌باشد (ساعی، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر در تحلیل گفتمان ارتباط میان ساختارهای گفتمان محور دیدگاه‌های اجتماعی حاکم بر تولید گفتمان مورد کنکاش، واکاوی و توصیف قرار می‌گیرند. همه اجزای نحوی، هجایی، واژگانی زبان خواسته یا ناخواسته و به انحاء مختلف به نوعی با دیدگاه ویژه‌ای مرتبط می‌باشند.

البته برخی از این ساختارها از ساختارهای برجسته تری برخوردارند. در این میان یارمحمدی چهار ساختار عمده گفتمان محور زبان‌شناختی را بدین شکل بیان می‌کند:

۱- گزینش لغات و نام‌گذاری: گزینش و کاربرد نام برای افراد، اشیاء و عملکردها، منعکس کننده دیدگاه خاصی است که قادر است بار منفی یا مثبت داشته باشد.

۲- فرآیند اسم‌سازی: در بسیاری از موارد پژوهشگران علوم رفتاری در تبیین انجام فعالیت فعل از مصدر یا حاصل مصدر یا به عبارت دیگر، از عبارت اسم شده جمله یا فعل استفاده می‌کنند. با انجام فرآیند اسم‌سازی، گویندگان می‌توانند زمان و شیوه انجام عمل را که از لوازم جمله یا فعل است مستتر دارند.

- ۳- استفاده از مجهول در برابر معلوم یا عکس آن.
- ۴- بهره‌گیری از الگوهای متفاوت جمله (ملات کنشی، ربطی، وصفی، اسنادی و...) هر کدام دارای تعبیرات خاص خود هستند (یارمحمدی ۱۳۸۳: ۱۴۴).

کاربردهای تحلیل گفتمان

به عقیده ون دایک گفتمان شکلی از «کاربرد زبان»، به «زبان گفتاری» یا «شیوه سخن گفتن» است. او یکی از انواع و اشکال کاربرد اصطلاح گفتمان را که می‌توان در رسانه‌ها یا برخی از علوم اجتماعی مشاهده نمود، مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر ون دایک گفتمان شکلی از کاربرد زبان است و مولفه‌های اساسی آن ناظر بر این پرسش‌ها است: چه کسی؟ چگونه؟ چرا؟ و چه وقت؟ از نظر ون دایک یکی از مولفه‌های گفتمان که موجد برخی از وجوه کارکردی می‌باشد، پدیده ارتباط است. به این معنا که مردم زبان را برای برقراری ارتباط میان اندیشه‌ها و باورها مورد استفاده قرار می‌دهند؛ و این فعل را به منزله جزئی از حوادث اجتماعی و در موقعیت‌های مشخصی مانند ملاقات با دوستان، مکالمه تلفنی، تدریس در کلاس درس، مصاحبه برای پیدا کردن کار، ملاقات با پزشک و یا هنگامی که به نوشتن یا خواندن گزارشی خبری مشغولند، صورت می‌دهند (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۷).

ون دایک سه بعد اصلی گفتمان را کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها یا شناخت و در نهایت تعامل در موقعیت‌های اجتماعی می‌داند. او غایت نهایی مطالعه گفتمان را فراهم آوردن توصیفی یکپارچه، از این سه بعد اصلی گفتمان می‌داند که چگونه کاربرد زبان بر باورها و تعامل تاثیر می‌گذارد؟ و یا چگونه تعامل بر نحوه سخن گفتن مردم تاثیر می‌گذارد؟ و یا چگونه باورها، کاربرد زبان و تعامل را کنترل می‌کنند؟ علاوه بر این از مطالعات گفتمانی می‌توان انتظار داشت که صرف نظر از ارائه توصیف‌های نظاممند، نظریه‌هایی برای توضیح مناسبات میان کاربرد زبان، باورها و تعامل ارائه دهند. ون دایک معتقد است که کاربرد زبان تنها محدود به زبان شفاهی و بیانی نیست، بلکه می‌توان آن را به ارتباطات، کنش متقابل و زبان نوشتاری نیز تعمیم داد. این کاربرد زبان هنگامی به وقوع می‌پیوندد که به عنوان نمونه ما روزنامه، کتاب، یا انواع دیگر متون نوشتاری را مطالعه می‌کنیم. ون دایک مانند بسیاری دیگر از گفتمان کاوان صرفاً به زبان محاوره‌ای محدود نشده است، بلکه متون نوشتاری را نیز در مفهوم گفتمان مورد توجه خاص قرار داده است. او معتقد است که شباهت‌های بسیاری میان شیوه نوشتن و سخن گفتن مردم وجود دارد و این مهم در مورد گوش کردن به متون گفتاری یا مطالعه متون

نوشتاری نیز صادق است (ون دایک، ۱۳۸۲ : ۱۷-۱۸). هارولد لاسول نیز سؤال‌های اساسی تحقیقات ارتباطی را به این صورت مطرح می‌کند: چه کسی؟ چه چیزی؟ چگونه؟ چرا؟ و با چه تاثیری می‌گوید؟ (لاسول ۱۹۶۵: ۱۳) هولستی و کارنی نیز اجزای متن را متشکل از پیام، فرستنده و گیرنده آن می‌دانند (هولستی ۱۹۶۹ و کارنی ۱۹۷۲)

با وجود این که در عبارت‌های فوق حوزه دخالت و نفوذ تحلیل گفتمان به سؤال‌ها و اجزای ارتباطاتی تسری داده شده است، اما عمده صاحب‌نظران بر این مهم اجماع نظر دارند که هدف اصلی تحلیل گفتمان ارزیابی ویژگی‌های معنایی - محتوایی متن است. البته گاهی به مطالعه موثر بر محتوای متن، تاثیرگذاری آن و تغییرات آن نیز تاکید شده است. کاربرد دیگر تحلیل گفتمان مطالعه و ارزیابی ویژگی‌های مربوط به تولیدکننده متن است. در این باب، تحلیل گفتمان متون نوشتاری و شفاهی می‌تواند به شناخت نویسنده ناآشنای یک متن (با بهره‌گیری از واژگان، نثر خاص و سبک معین بیان مطلب و ...) کمک نماید.

کاربرد سوم تحلیل گفتمان مطالعه میزان تاثیرگذاری محتوای متن، بر اساس معانی واژگان و ابعاد عاطفی و احساسی آن بر خواننده متن است. به عنوان مثال، می‌توان پژوهشی را در نظر گرفت که در باب تحلیل مصاحبه‌های تشخیصی انجام گرفته شده است و در آن تلاش می‌شود که القانات و مفاهیم احساسی مورد استفاده مراجع و برخی از اسنادهای او را مورد تحلیل و تفسیر قرار گیرد.

استفاده از روش تحلیل گفتمان در مطالعات مربوط به تحقیقات غیر آزمایشگاهی روانشناختی و به ویژه در عرصه روانشناسی اجتماعی و البته با استفاده از روش مکمل تحلیل گفتمان و مکالمه، فتح باب جدیدی در عرصه مطالعات گفتمانی ایجاد نموده است.

مراحل اجرای تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان به معنای یکی از روش‌های پژوهش در علوم رفتاری دارای مراحل مختلفی است. صرف نظر از آنچه گذشت، اقداماتی به منظور اجرای یک تحلیل گفتمان به نحو بایسته و شایسته لازم و ضروری است که به صورت کاملاً مختصر عبارتند از:

۱- طرح مسئله

در هر نوع پژوهشی از جمله روش تحلیل گفتمان، ابتدا می‌باید مسئله تحقیق تبیین شود. در شناسایی مسئله پژوهش، پژوهشگر حوزه تحلیل گفتمان می‌باید شواهدی دال بر وجود مسئله عرضه کند و تلاش نماید تا تصویری از زمینه بحث ارائه دهد و گستره و علل بروز و

ظهور آن را توصیف و طرح کند (بازرگان، سرمد و حجازی، ۱۳۸۳).

۲- تبیین موضوع تحقیق

موضوع تحقیق می‌باید به وضوح هرچه بایسته و شایسته‌تر روشن شود.

۳- فرضیه سازی

در این مرحله با استناد به نظریه‌ای، فرضیه یا فرضیه‌هایی چند به مثابه پاسخ موقت به پرسشی که در موضوع پژوهش مستتر است، آماده می‌شود. در این صورت تحلیل گفتمان نیز همانند هر روش دیگر پژوهشی، ابزاری است جهت محک تجربه فرضیه‌های تحقیق.

۴- تعریف مفاهیم

در این مرحله مفاهیم نظری نیز به صورت مفاهیم عملیاتی قابل سنجش و واکاوی می‌باشند.

۵- ارائه چارچوب نظری

این مرحله یکی از کلیدی‌ترین مراحل انجام تحلیل گفتمان است. این مهم نیز بعد از یک مرحله مطالعه مقدماتی و ابتدایی، برای پژوهشگر بدست می‌آید. پژوهشگر متغیرهای خود را به شاخص‌ها و ابعاد کوچک‌تر تقسیم می‌کند و به دنبال جمع‌آوری مطالب می‌رود (تاجیک ۱۳۷۸).

۶- نمونه‌گیری

در تحلیل گفتمان متون نوشتاری و شفاهی، مانند مطالعه رفتار انسان‌ها، مشاهده مستقیم تمام موارد لازم نیست و محقق مجبور است نمونه‌گیری کند. شیوه نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان نیز همچون سایر روش‌های تحقیق است و ممکن است در سطوح و ابعاد مختلف کلمات، عبارات، پاراگراف‌ها، فصول، کتاب‌ها و مانند آن صورت گیرد و به تناسب از فنون نمونه‌گیری تصادفی و یا غیرتصادفی نیز استفاده شود. نکته شایان توجه این است که در نمونه‌گیری‌های مربوط به متون مورد تحلیل قضاوت و سوگیری توسط پژوهشگر به وجود می‌آید، به ویژه در میان متون و دست‌نوشته‌های پراکنده افرادی که از بعد روحی در تلاطمات شدید قرار دارند. به عنوان مثال در تحلیل گفتمان متون مربوط به فردی که دچار افسردگی است و در عین حال در مقاطع زمانی مختلف شدت و ضعف‌هایی در بیماری خود را تجربه کرده است، به احتمال زیاد با تکرار محتوایی در میان دست‌نوشته‌های او مواجه خواهیم شد. بنابر این به منظور جلوگیری از افزایش سهم یک مقطع زمانی خاص (خواه دوران شدت بیماری و خواه دوران کاهش آن)، نمونه بیشتری از دوران مختلف و بر اساس اطلاع از مقاطع زمانی مربوطه می‌باید

اولین اقدام، فراهم نمودن چهارچوب نمونه گیری یا فهرست واحدهایی است که نمونه می‌باید از میان آن‌ها انتخاب شود. نمونه گیری منطقی و اصولی، مستلزم آن است که حداقل به موارد ذیل عنایت لازم شود:

۱-۶- توصیف دقیق ابعاد مختلف مقوله مورد سنجش و مطالعه و کشف روابط مقوله مربوطه با سایر مقولات.

۲-۶- توصیف نظم گفتمان در مقوله موردنظر و توصیف صورت‌بندی‌های خاص فکری و معرفتی و ربط مبتنی بر ارتباطات محتوایی در میان آن مقولات

۳-۶- با عنایت به به پیوندهای میان دو بند فوق، توصیف هر کدام از این صورت‌بندی‌ها بر اساس میانی فکری و فرهنگی.

تنها با در اختیار داشتن این اطلاعات است که می‌توان تعاملاتی را به منظور گردآوری و تحلیل مشخص نمود؛ تعاملاتی که نماینده طیفی از صورت‌بندی‌های گفتمانی و رخداد‌های کلامی باشند. با کمک این روش درک نظام یافته‌ای از کارکرد تحلیل گفتمان در نهادها و دگرگونی نهادی، میسر و محقق خواهد شد (فرکلاف ۱۹۹۱).

۷- واحد تحلیل

واحد تجزیه و تحلیل در تحلیل گفتمان متن یا گفتار شفاهی یا مکتوب است که مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در تحلیل گفتمان آن را واحد تحلیل می‌نامند. معمول‌ترین واحد تجزیه و تحلیل و تفسیر در مطالعات گفتمانی، «یک بخش از متن» است. در روش تحلیل گفتمان انتخاب داده‌ها به خودی خود واحد تجزیه و تحلیل و تفسیر را معین نمی‌کند، بلکه یک مجموعه از اسناد و مجموعه‌ای از متون و داده‌ها و یک واحد تحلیل منحصر و منفرد وجود دارد. واحد تحلیل در این نوع مطالعات فراتر از کلمه است و بر اساس موضوع مورد مطالعه و متغیرها و شاخص‌های پژوهش، واحد تحلیل می‌تواند یک جمله، بند، عبارت، صفحه، مصاحبه، خاطرات، سخنرانی و ... باشد.

به منظور روشن ساختن واحدهای عمده تحلیل و تفسیر، می‌توان به موارد مورد نظر هولستی و البته با پاره‌ای تغییرات توجه داشت. این موارد عبارتند از: کلمه یا نماد، جمله، کاراکتر، پاراگراف یا بند، مورد یا آیتم (هولستی ۱۹۶۹ و صدیق سروستانی ۱۳۷۵).

۱-۷- کلمه

کلمه معمولاً کوچک‌ترین واحد تحلیل است. به کار بستن این واحد، فهرستی از تفاسیر و تحلیل‌ها را به دست خواهد داد. اشکال عمده و ایراد واضح به این واحد تفسیر و تحلیل، این

است که اگر واحد انتخاب شده برای تحلیل، مشتمل بر اطلاعات و داده‌های پرحجم و فراوانی باشد، تفسیر همه این کلمات کار بسیار وقت گیر و دشواری خواهد بود. البته توجه به کلمات دارای مزایایی نیز می‌باشد که از جمله آن مشخص بودن حد و مرز مفهومی آن و سهولت نسبی در بازشناسی و تشخیص آن در یک متن می‌باشد.

۲-۷- مضمون

در بسیاری از موارد، مضمون که در ساده‌ترین صورت خود به شکل جمله مطرح می‌شود، مفیدتر از کلمه می‌باشد. عمدتاً گفتمان کاو می‌تواند از مضمون در تحلیل گرایش‌های فکری، ارزش‌های فردی، تصورات و سوگیری‌های روانی - رفتاری افراد استفاده کند. به عنوان مثال یک مضمون این است که «به همسرم علاقه دارم اما با دیدن او ناخودآگاه خشمگین می‌شوم» و یا این که «تصور می‌کنم که دنیا به آخر رسیده است و به زودی همه ما خواهیم مرد». مضامین معمولاً در میان جملات، عبارات، پاراگراف‌ها و حتی تصاویر وجود دارند و به همین دلیل انشکاف و تفسیر آن‌ها به تلاش بیشتری نیاز دارد و به مراتب سخت‌تر می‌باشد. مضمون، بر عکس کلمه، دارای حد و مرزی روشن و آشکار نیست و همین امر باعث می‌شود تا اندکی تفسیر و تحلیل مضامین سخت‌تر شود و البته میزان پایایی آن را نیز نسبت به سایر واحدهای ثبت، کاهش می‌دهد.

۳-۷- کاراکتر یا شخص

معمولاً در مصاحبه‌های تشخیصی، یادداشت‌های شخصی، دفترچه خاطرات و ... کاراکتر یا شخص واحد تحلیل و تفسیر محسوب می‌شود. در این نوع موارد پژوهشگر به جای بررسی واژگان و مضامین، اشخاص را مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌دهد و به تحلیل و تفسیر مولفه‌های شخصیتی و روانی آنان می‌پردازد. امتیاز این واحد تحلیل، مشخص بودن آن است و البته بزرگ‌ترین نقص و ایراد وارده بر آن نیز محدود بودنش، تنها به برخی از انواع خاص متون، می‌باشد.

۴-۷- پاراگراف یا بند

معمولاً در تحلیل‌های گفتمانی بند یا پاراگراف به عنوان واحد تحلیل و تفسیر نسبت به کلمه و مضمون، کاربرد بیشتری دارد. البته این واحد نیز مشکلاتی را دارا می‌باشد که عمده‌ترین آن، برخورداری از مضامین و مفاهیم متعدد است که اندکی کار پژوهشگر را سخت می‌کند. اما در عین حال، استفاده از این واحد تحلیل می‌تواند در افزایش سرعت کار و نیز جمع بندی بهتر و فراگیرتر محقق را کمک نماید.

۵-۷- مورد یا آیتم

مورد به کل یک واحد تحلیل و تفسیر گفته می‌شود که ممکن است یک شخص یا یک متن کامل از کتاب، دفترچه خاطرات و یا مصاحبه روانی باشد. تحلیل یک آیتم زمانی بایسته و شایسته است که میزان تغییرات و نوسانات درونی آن کم باشد. در همین حال مشکل عمده این واحد تحلیل، وسعت و بزرگی آن است که باعث تحت الشعاع قرار گرفته شدن مفاهیم و مباحث می‌شود.

۸- طبقه‌بندی اطلاعات جمع‌آوری شده

مطالب و داده‌ها را می‌باید بر اساس فرضیه‌های پژوهش در مقولات یا طبقات متفاوت طبقه‌بندی نمود. طبقه‌بندی متون در تحلیل گفتمان نیز همانند سایر روش‌های پژوهش در علوم رفتاری، می‌باید مبتنی بر متغیرها و شاخص‌های فرضیات و اهداف پژوهش صورت گیرد. علاوه بر این، طبقه‌بندی می‌باید با دقت فراوان، به صورت کامل و متمایز از یکدیگر انجام گیرد.

۹- تحلیل متون و اطلاعات

در نهایت، پژوهشگر با مراجعه به اصول و قواعد تحلیل گفتمان، به تحلیل یافته‌ها و مطالب اقدام نماید. تحلیل گفتمان می‌تواند ناظر بر چند سطح باشد؛ سطح توصیفی که صرفاً به تحلیل متن می‌پردازد، سطح تفسیری که به تحلیل فرایندها می‌پردازد و سطح تبیینی که تحلیلی اجتماعی است (تاجیک ۱۳۷۸). هر سه بخش، در حوزه پژوهش‌های علوم رفتاری مورد استفاده قرار می‌گیرند اما آنچه که بیش از سه مورد دیگر قابل توجه است، دو سطح اولیه می‌باشند. در تحلیل اطلاعات می‌باید به دو مقوله توجه داشت: مفهوم و معنا. این دو مقوله شاید بتوان گفت محوری‌ترین مسائلی هستند که پژوهشگر می‌باید در واحدهای تحلیل در پی بررسی آن‌ها باشد.

۱-۹- مفهوم

مفهوم، واحدی پیچیده است که شامل مجموعه‌ای از مضامین و کلمات می‌باشد که با یکدیگر مبین یک چارچوب فکری و یا اندیشه‌ای خاص خواهند بود. به عنوان مثال استفاده از مضامینی مانند گناه، تقصیر، دشمنی، یأس، غم و نگرانی زمانی که جمع می‌شوند و در کنار هم قرار می‌گیرند، مفهوم افسردگی را القا می‌کنند. بدین ترتیب کاربرد مفهوم به عنوان بخشی از تحلیل اطلاعات، بیشتر در زمینه تحلیل گفتمان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲-۹- معنا

زمانی که در تحلیل اطلاعات به معنا توجه می‌شود، پژوهشگر علاوه بر این که در پی

انکشاف انواع مفاهیم بکار رفته است، در پی مطالعه چگونگی تحت تاثیر قرار گرفتن مفاهیم نیز می‌باشد. به عنوان مثال، پژوهشگر در جستجوی درک چگونگی و میزان نفوذ و تاثیرپذیری فرد از مفاهیم است و از راه به شناخت از ابعاد شخصیتی و روانی فرد دست می‌یابد. به بیان دیگر علاوه بر آن که حضور یک مفهوم خاص در متن در نظر گرفته می‌شود، معنای خاص آن در کل متن نیز مورد توجه و تامل قرار می‌گیرد (سندرزوینی ۱۹۵۹).

روایی و پایایی پژوهش‌های گفتمانی

یکی از چالش‌های جدی پیش روی پژوهشگران گفتمانی در عرصه علوم رفتاری و روانشناختی، همچون سایر رویکردهای کیفی، ایجاد توافق در باب ملاک‌هایی است که برای قضاوت در خصوص کیفیت بخش‌هایی از پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌باشد. در پژوهش‌های کمی همچون تحلیل محتوا، روش‌های همبستگی، روش‌های علی - مقایسه‌ای و ...، توافق‌های گسترده‌ای در زمینه روش‌های مختلف کنترل کیفی تحقیق، به ویژه در خصوص سازه‌هایی مانند پایایی، روایی، روش نمونه‌گیری، توان آماری و ... وجود دارد. ابعاد مختلف مطالعات کمی قادرند به صورت همگون توسط ارزیابان و ناظران بیرونی، در زمان قضاوت در مورد صحت و سقم فرایند تحقیق، مورد واکاوی قرار گیرند. به عنوان نمونه، نوع آزمون آماری مورد استفاده در هر پژوهش کمی مرتبط با پیش فرض‌های خاصی در مورد توزیع داده‌ها و مقیاس‌های اندازه‌گیری در آن‌هاست (عابدینی ۱۳۸۳).

به طور کلی مجموعه‌ای رایج و مشخص از ملاک‌های روایی (validity) و پایایی (reliability) وجود دارد که همواره توسط پژوهشگران مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالی که در روش تحلیل گفتمان، شرایط متفاوتی را می‌توان مشاهده نمود. دستاوردهای مطالعات مبتنی بر تحلیل گفتمان با تکیه بر اندیشه و توانایی پژوهشگر در قبال پدیده مورد پژوهش و ارزیابی و نیز مبتنی بر علائق شخصی او جمع‌آوری می‌شود. از این رو این که یافته‌های حاصل از این روش به میزان قابل توجهی ناشی از قضاوت‌ها و اندیشه‌های شخصی پژوهشگر باشد، امری اجتناب‌ناپذیر است. با این تفاسیر سؤال این‌جاست که چگونه می‌توان پایایی نتایج تحقیقات مبتنی بر تحلیل گفتمان را تعیین نمود؟ در شرایطی که پایایی به صورت به دست آوردن نتایج یکسان در زمان‌های مختلف و توسط پژوهشگران متفاوت تعریف می‌شود و نیز روایی به توان اندازه‌گیری دقیق و عینی پدیده اشاره دارد (سرمد، بازرگان، حجازی ۱۳۸۸: ۱۹۳-۱۹۴). در سنجش مولفه‌های فیزیکی ابزار معتبری وجود دارد که منجر به سنجش دقیق و عینی می‌شود

اما روش تحلیل گفتمان، در زمینه مفهوم روایی با دو مشکل جدی مواجه است: نخست این که چنانچه به دلیل اهداف عملی، فرض شود که یک واقعیت خارجی عینی وجود دارد، علائم و نشانه‌هایی که برای تبیین و تعریف این واقعیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، واژگان هستند نه اعداد و ارقام. از این رو، هر نوع بازنمایی زبانی از رخدادها و تجارب، متکی بر نوع زبان است که امکان دارد دارای ابهام باشد. مشکل دیگر این که، برای پژوهشگرانی که در عرصه تحلیل گفتمان فعالیت می‌کنند، این پیش فرض که واقعیت بیرونی یگانه، قابل شناسایی و ثابتی وجود دارد، امری بی معناست، بلکه این گروه از محققان بر این باورند که واقعیت در ذهن فرد ایجاد می‌شود و کاملاً نسبی است و ثبات و قطعیت بایسته و شایسته‌ای ندارد. بنابراین، تجارب و واقعیات به یک روش واحد ساخته نمی‌شوند.

با این تفاسیر روشن است که ارزیابی میزان دقت و روایی نتایج حاصل از تحقیقات گفتمانی امری دشوار و حتی غیرممکن است. چرا که پژوهشگران کمی گرا، از طریق مقایسه طبقه‌بندی نمرات در باب روایی و پایایی به توافق می‌رسند اما پژوهشگران تحلیل گفتمان، می‌توانند به مقایسه متون و بندهایی بپردازند که انعطاف‌پذیر و بی ثبات هستند.

در عین حال برای پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان کیفیت یک پژوهش مبتنی بر تحلیل گفتمانی را مورد ارزیابی قرار داد؟ می‌توان به دو راهکار اشاره نمود: اولین راهکار، مبتنی بر حفظ ملاک‌ها و معیارها در پژوهش‌های گفتمانی است و شامل تعریف و تعیین مجموعه‌ای از معیارها و ملاک‌هایی است که مختص به پژوهش‌های گفتمانی می‌باشد. این معیارها مواردی از جمله تمرکز و تاکید بر وضوح توضیحات و روش‌های مورد استفاده، ارائه شواهد و مدارک کافی، وجود اعتبار در اسناد با استفاده از بررسی اعضا، مقایسه نتایج به دست آمده از منابع اطلاعاتی مختلف، سودمندی عملی و تراوایی (permeability) یا باز بودن محقق نسبت به بینش‌های جدید می‌باشند (عابدینی ۱۳۸۳).

دومین راهکار مربوط به اصول معرفت شناختی هفتگانه ای است که مک لئود به طرح آن‌ها پرداخته است: از این منظر ارزش‌های معرفت شناختی، آن دسته از ملاک‌هایی هستند که توسط دانشمندان برای انتخاب تبیین‌های نظری مختلف به کار می‌روند. بارزترین این ارزش‌ها دقت پیش بینی است. اگرچه در مراحل اولیه یک نظریه تا حدودی باید بی‌دقت پیش بینی شود. دومین ارزش پیوستگی و انسجام درونی است. یک نظریه باید کاملاً انسجام داشته باشد و هیچ نوع ناهمگونی غیرمنطقی تبیین نشده‌ای نداشته باشد. سومین ارزش، مطلوب تجانس و همگون بیرونی است. نظریه باید با سایر نظریه‌ها تجانس داشته باشد و همچنین با سوابق عمومی

انتظارات علمی همگون باشد. نظریه‌هایی که با سایر نظریه‌های مورد قبول در یک حوزه تضاد دارند، موضوعی برای شکاکیت هستند. توان وحدت بخشیدن، چهارمین ویژگی ارزشی نظریه‌های علمی است که شامل توانایی برای وحدت بخشیدن به حوزه‌های مختلف دانش قبلی است. ملاک مهم دیگر باروری (fertility) است. نظریه‌ها تنها به این دلیل که پیش بینی‌های صحیح و جدیدی می‌کنند بارور نیستند، بلکه به این دلیل که ممکن است شبیه به یک استعاره ادبی عمل کنند و برای دانشمندان منابع تصویری برای غلبه بر اصول غیرمتعارف فراهم کنند و گستره‌ای جدید و قدرتمند از دانش را بسازند، به اروند. آخرین ارزش، سادگی و ساده‌سازی (simplicity) است که اگر چه کمتر از سایر ارزش‌ها توسط فیلسوفان معاصر پذیرفته شده است، اما هنوز جایگاهی خاصی در میان دانشمندان دارد (مک لئود ۲۰۰۱).

اگر پژوهش کیفی از مفاهیمی چون چارچوب تفسیری، مقوله‌های اصلی در نظریه مبنا یا توصیف پدیدار شناختی به عنوان نظریه و در مکان نظریه استفاده کند، می‌توان از ارزش‌های هفتگانه معرفت شناختی هوارد (۱۹۸۵) به خوبی استفاده کرد؛ لذا مطالعه کیفی باید مبتنی بر موارد ذیل باشد: دقت و پیشبینی، پیوستگی و ارتباط درونی، تجانس و همگونی بیرونی، توان وحدت بخشیدن، باروری و سادگی یا ساده سازی (مک لئود ۲۰۰۱).

نقد و ارزیابی و نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان رویکردی است نسبی؛ و از این رو نمی‌توان آن را علم سختی (Hard) دانست. اما در عین حال رویکرد و نگرشی مبتنی بر استدلال و بحث‌های مستمر است. شاید بتوان تحلیل گفتمان را از لحاظ قدمت و دیرینه، هم زاد با پیدایش اولین تعاملات انسانی ارزیابی نمود، که به مرور زمان از نوعی تفاسیر ابتدایی و آزاد از حرکات و گفتار دیگران به شیوه‌ای علمی و بایسته و شایسته، برای واکاوی و ارزیابی متون و اسناد اجتماعی و رفتاری تبدیل شده است.

تحلیل گفتمان از روش‌های مشاهده غیرمستقیم و اسنادی به جای مشاهده عینی و مستقیم رفتار افراد استفاده می‌کند و تلاش می‌کند به آثار شفاهی و مکتوب آنان و تعاملات میان آن‌ها توجه نموده و در مورد آنها به واکاوی، تحلیل و تفسیر بپردازد و حتی تاثیرات مفاهیم و معانی مسستر در متون را مورد تتبع قرار دهد. تحلیل گفتمان نوعا از جمله روش‌های غیرواکنشی و غیرمداخله‌گرا می‌باشد، بدین معنا تولید کنندگان متون و مفاهیم، مورد واکاوی و

تفسیر به صورت پس رویدادی مورد تامل قرار می‌گیرند.

در باب مولفه های تحلیل گفتمان میان صاحب نظران اختلاف نظر وجود دارد. مهم ترین اختلاف نظر بر سر این مهم است که آیا گفتمان کاو می‌باید، به متن به عنوان مجموعه ای متشکل از واژگان و مفاهیم توجه داشته باشد و یا گفتمان را به عنوان کاربرد زبان در نظر گیرد. همچنین اختلاف بر سر این موضوع است که آیا تحلیل گفتمان صرفا به مفاهیم و محتوای آشکار در متون توجه دارد و یا مفاهیم و معانی مسستر را می‌باید مورد تحلیل و تفسیر قرار دهد و یا حتی ترکیب و تلفیقی از این دو منظر. یکی دیگر از اختلاف نظرها در تحلیل گفتمان، این است که آیا اصولا این روش توصیفی است و یا تبیینی؟ از دیگر اختلاف نظرها می‌توان به چگونگی جمع آوری واحدهای تحلیل برای انجام فرآیند تحلیل گفتمان اشاره کرد. یکی دیگر از اختلاف نظرها عبارت از میزان استفاده از نظریه‌های گفتمان در فرآیند تحلیل می‌باشد.

نمونه‌گیری از متون مورد مطالعه همچون سایر روش‌های تحقیق است و ممکن است در سطوح و ابعاد مختلف کلمات، عبارات، پاراگراف‌ها، فصول، کتاب‌ها و مانند آن و به تناسب از فنون نمونه‌گیری تصادفی و یا غیرتصادفی استفاده شود. نمونه‌گیری‌های مربوط به متون مورد تحلیل توجه به مقوله سوگیری است، به ویژه در میان متون و دست نوشته‌های پراکنده افرادی که از بعد روحی در تلاطمات شدید قرار دارند. در اولین اقدام، فراهم نمودن چهارچوب نمونه‌گیری یا فهرست واحدهایی است که نمونه می‌باید از میان آن‌ها انتخاب شود، لازم و ضروری می‌باشد.

بسیاری از صاحب نظران هدف اصلی تحلیل گفتمان را ارزیابی ویژگی‌های معنایی - محتوایی متن می‌دانند. از جمله مهم ترین کاربردهای روش تحلیل گفتمان مطالعه و ارزیابی ویژگی‌های مربوط به تولیدکننده متن است و نیز مطالعه میزان تاثیرگذاری محتوای متن، بر اساس معانی واژگان و ابعاد عاطفی و احساسی آن بر خواننده متن است. از سوی دیگر استفاده از روش تحلیل گفتمان در مطالعات مربوط به تحقیقات غیر آزمایشگاهی روانشناختی و به ویژه در عرصه روانشناسی اجتماعی و البته با استفاده از روش مکمل تحلیل گفتار و مکالمه، فتح باب جدیدی در عرصه مطالعات گفتمانی ایجاد نموده است.

مراحل اجرای تحلیل گفتمان عبارتند از: طرح مسئله، تبیین موضوع تحقیق، فرضیه سازی، تعریف مفاهیم، ارائه چارچوب نظری، نمونه‌گیری، واحد تحلیل (که خود عبارت است از کلمه، مضمون، کاراکتر یا شخص، پاراگراف یا بند و مورد یا آیت)، طبقه بندی اطلاعات

جمع‌آوری شده، تحلیل متون و اطلاعات (مفهوم، معنا).

در عین حال این رویکرد دارای نقاط قوت و ضعف مختلفی است که در ذیل بدان پراخته می‌شود:

الف-نقاط قوت:

۱- از جمله مهم‌ترین امتیازات روش تحلیل گفتمان، غیرمداخله‌ای و غیرواکنشی بودن آن است. نیازی نیست با کسی مصاحبه شود، پرسشنامه‌ای تکمیل گردد یا آزمایش انجام شود. پژوهشگران دخالتی در شکل‌گیری اطلاعات ندارند و خالقان متون نیز واکنشی نشان نمی‌دهند.

۲- تحلیل گفتمان امکان مطالعه فرآیندهایی را که در یک دوره زمانی طولانی رخ داده است را فراهم می‌کند. به سهولت قادر است تحولی را که در فضای فکری و روانی بخشی از جامعه رخ داده است از این طریق مطالعه کند.

۳- معمولاً تکرار بخشی از پژوهش که در برخی از روش‌های تحقیق تقریباً امری محال است، در روش تحلیل گفتمان امکان‌پذیر است. رفع یک اشتباه و یا تکمیل اطلاعات در یک بخش و یا بازبینی مجدد آن، نیازی به تکرار همه بخش‌های تحقیق ندارد و تجدید نظر در تحلیل همان بخش کفایت می‌کند.

۴- روش تحلیل گفتمان در عرصه علوم رفتاری دارای قابلیت‌ها و کارکردهای فراوانی است. رویکرد و نگرش نوین آن توانسته است سطح بالایی از ابتکار و خلاقیت پژوهشگران علوم رفتاری و سایر گرایش‌های علوم انسانی را مهیا نماید.

۵- روش تحلیل گفتمان از هزینه کمی در مقایسه با سایر روش‌های تحقیق، برخوردار است. معمولاً موارد لازم برای تحلیل گفتار و متون به آسانی و ارزانی در دسترس محقق قرار می‌گیرد.

نقاط ضعف:

۱- یکی از آسیب‌ها و نقاط ضعف روش تحلیل گفتمان، نداشتن اطلاعات و شناخت بایسته و شایسته محققان در تمیز رویکردهای تحلیل گفتمان است. این امر به حدی گریبانگیر پژوهشگران است که بعضاً مشاهده می‌شود برخی به جای بکار بردن شیوه‌ها و مراحل اجرای تحلیل گفتمان به انجام تحلیل گفتمان پرداخته‌اند.

۲- از جمله ایرادات وارده به روش تحلیل گفتمان، مربوط به مفروضات فلسفی این رویکرد

است. به طوری که در باب مفروضات فلسفی نظریه‌های گفتمان دو ادعا مطرح شده است: این که این رویکردها ایده‌آلیستی یا آرمان‌گرا هستند و دیگر این که این رویکردها نسبت‌گرا می‌باشند. به عبارت دیگر به دلیل عدم قابلیت تحلیل پدیده‌های فراگفتمانی، آن‌ها را فاقد معانی مستقل تلقی می‌کنند. همچنین به علت کیفی بودن، تفسیر متن کاملاً در اختیار پژوهشگر قرار دارد و از این رو تحلیل را به نسبی بودن دچار می‌سازد.

۳- یکی از نواقص جدی روش تحلیل گفتمان، محدود بودن آن به اسناد و مدارک و متون از پیش ثبت شده است. البته این مهم را نیز می‌باید در نظر گرفت که اگر از تحلیل گفتمان صرفاً به عنوان روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و متون موجود استفاده شود، این ضعف تا حد قابل توجهی رنگ می‌بازد.

۴- تحلیل گفتمان مانند هر روش دیگری دارای برخی مشکلات مربوط به پایایی و روایی است. در مورد روایی این روش، مسئله این است که روشن نیست که تحلیل‌گر توانسته باشد رواترین نوع تحلیل و ارزیابی را برای موضوع بکار برده باشد.

۵- یکی دیگر نواقص روش تحلیل گفتمان، انتزاعی بودن آن است و از این رو پایایی آن را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد.

منابع

آرتوربرت، ادوین، (۱۳۶۹) مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول.

آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵) تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی اختیار، منصور (۱۳۴۸)، معنی‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

به اردن، لورنس (۱۳۷۵). تحلیل محتوا، ترجمه آشتیانی و سرخابی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. بهرامپور، شعبانعلی، (۱۳۷۸). درآمدی بر تحلیل گفتمان، گفتمان و تحلیل گفتمانی، به اهتمام محمد رضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان.

تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۷) متن‌وانموده و تحلیل گفتمان، فصلنامه سیاسی - اجتماعی گفتمان، شماره صفر، بهار.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹) مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمان، تهران فرهنگ گفتمان تاجیک، محمد رضا، (۱۳۸۱) جهانی شدن و هویت، فصلنامه رهیافت، تهران: دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۸) فرامدرنیسم و تحلیل گفتمان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۳) گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حاتمی، علی، جبارنژاد، سمیرا، تحلیل گفتمان به مثابه یک روش تحقیق در علوم انسانی، بی تا، بی نا
- ساعی، علی، (۱۳۸۶) روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی، تهران: انتشارات سمت.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه، (۱۳۸۳) روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: موسسه نشر آگه، چاپ هشتم.
- سلطانی، سیدعلی اصغر، (۱۳۸۴) قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی.
- سلطانی، سیدعلی اصغر، (۱۳۸۴) تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸.
- صدیق سروستانی، رحمت الله، (۱۳۷۵) کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۸.
- عابدینی، یاسمین، (۱۳۸۳) مروری بر مبانی فلسفی، ویژگی ها و روش های پژوهش کیفی، مجله روان شناسی و علوم تربیتی، سال سی و پنجم، شماره ۲.
- فرکلاف، نورمن، تحلیل گفتمان انتقادی، (۱۳۷۹) جمعی از مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، چاپ اول.
- لطفی حقیقت، امیر، (۱۳۸۷) مطالعه توصیفی گفتمان های فرهنگی منعبت از انقلاب اسلامی (پایان نامه)، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- مک دائل، دایان، (۱۳۸۰) مقدمه ای بر نظریه های گفتمان، مترجم حسینعلی، نوذری، تهران، فرهنگ گفتمان.
- کریستوفر نوریس، (۱۳۷۷) گفتمان، ترجمه حسینعلی نوذری، فصلنامه سیاسی - اجتماعی گفتمان، شماره صفر بهار.
- کیا، علی اصغر (۱۳۸۱) تئوری ها و مبانی تحولات تحقیقی رسانه ها. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۳۳. سال نهم.
- میر فخرایی، تزا. (۱۳۸۳). فرایند تحلیل گفتمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- ون دایک، تتون، (۱۳۸۲) مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، ویراسته مهران مهاجر، محمد نبوی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- ون دایک، تتون ای، (۱۳۸۲) مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ون دایک، تتون. ای، (۱۳۷۸) تحلیل گفتمان: پرورش و کاربری آن در ساختار خبر، مترجم: محمدرضا حسن زاده، تهران: پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیمای جمهوری اسلامی.
- یارمحمدی، لطف ... (۱۳۸۳) گفتمان شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس
- یارمحمدی، لطف الله و مجید خسروی نیک. (۱۳۸۲). شیوه ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه های فکری -

اجتماعی، نامه فرهنگ، شماره ۴۲.

- Denzin .n .k and Lincoln. Y. s. (1994 a). Hanabook of qualitative Research. Thousand oaks. Ca sage
- Heritage. j. (1997) conversation Analysis and institutional Talk. analyzing data. In D . Silverman (ed) Qualitative Research Theory and method London. sage
- Holsti. Ole R.1969. Content Analysis for the Social Science and Humanities. Reading. Mass. Addion-wesley
- Howard . G. S.(1985) The Role of Valuus in the scince of Psychology. American psychology. 40 Analysing Qualitive data in Psychology. Edit. Lyons.evanthia and coyle. Adran. (2007) sages publication. Losanjeles London newdehli. sengapoor
- Macleod. j (2001). Qualitative Reaserch in p sycology. London. Thousand oaks. NewDehli. Sage Norman fairclough . language and power .logman .new york.1991.
- Mills. sara. Discourse. london: routledge.1997. Kaplan A. 1943.Content Aualysis and the theory of Signs. Philos. Sci ،10
- Macmillan, Katie. 2006."Discourse Analysis — A Primer":
- Slembrouck, Stef. 2006."What is meant by "discourse analysis"?
- Stubbs, Michael. 1983. Discourse Analysis: The Sociolinguistic Analysis of Natural Language. Oxford: Basil Blackwell
- Van Dijk, Teun A. The Interdisciplinary Study of News as Discourse, in Klaus Bruhn Jensen and Nicholas W.Jankolcski (eds.), A Handbook of Qualitative Methodologies for Mass Communication Research, London: Rout ledge Publication